

مرزبان نامه بزرگ

(روضۃ العقول)

نوشته
مدرسین غازی مطبوی

تصحیح
فتح الله مجتبائی - علامہ آریا

باہکاری
فتانہ کونڈ



شرکت سهامی انتشارات خوارزمی

فهرست

پیشگفتا

مقدمه

۹

۱۱

۲۷

۳۲

۴۶

۴۸

۵۲

۵۶

۵۸

۶۲

۶۳

۶۵

۶۶

۶۸

۶۹

۷۰

باب اول: باب شناق و سلطان قاهر

باب دوم: باب احوال من صنع هذا الكتاب

باب سوم: باب الملك و اولاد

حکایت قلاح با مار

حکایت غلام و بازرگان

حکایت آهو با موش و صیاد

حکایت گراز و روباهان

حکایت مرد طامع و نوخته وزیر

حکایت شهریار بابل با شهریارزاده

حکایت شتربان با دیو

حکایت بط و روباه و کشف

حکایت سکزی و بلخی و فرزند بلخی

حکایت بازرگان متمول با پسرش

حکایت دهقان با پسر خود

۷۳

۸۴

۸۸

۹۲

۹۴

۱۰۰

باب چهارم: باب مناظره ملک زاده با وزیر برادرش

حکایت هنبوی با ضحاک

حکایت بهرام گور با دهقان

حکایت بزغاله و گرگ غنادوست

حکایت خسرو و کنیزک و پسر موبد

حکایت شغال و گرگ و درازگوش

۱۲۸

۱۲۹

باب پنجم: باب اردشیر بابکان با مهرانبه دانا

آغاز حکایت

- ۱۳۳ حکایت مهرسیند موبد با زنش
 ۱۳۵ حکایت طایفه‌ای از تجار در سفر دریا
 ۱۳۷ حکایت مرد حکیم با دو مهتر
 ۱۴۱ حکایت خرس و شیر با شبان
 ۱۴۴ حکایت سه انباز راهزن که دو خشت زرین یافتند
 ۱۴۶ حکایت سقراط و سوار

 ۱۵۱ باب ششم: باب مناظره دیو گاوپای با دینی
 ۱۵۲ حکایت مناظره دیو گاوپای با دینی
 ۱۵۶ حکایت خواجه با کنیزک و درخواست آبکامه
 ۱۵۸ حکایت پسر احوال میزبان و صراحی شراب
 ۱۶۰ حکایت پسران و زن او
 ۱۶۰ حکایت مار و خوش
 ۱۶۲ حکایت بزرجمهر با خسرو
 ۱۶۳ حکایت سوار با غلام

 ۱۶۷ باب هفتم: باب تمامت مناظره دیو گاوپای
 ۱۷۷ باب هشتم: باب دادمه و داستان
 ۱۷۸ حکایت دادمه و داستان
 ۱۸۴ حکایت حجام و سکندر
 ۱۸۵ حکایت دزد با کیک
 ۱۸۸ حکایت نیک‌مرد با هدهد
 ۱۹۱ حکایت خسرو با ملک دانا
 ۱۹۵ حکایت خسرو انوشروان با برآز
 ۲۰۱ حکایت خسرو با بزرجمهر
 ۲۰۲ حکایت فلّاح و دو مار سیاه و سفید
 ۲۰۴ حکایت فلّاح و تعبیر خواب او
 ۲۱۲ حکایت بازرگان بلخی با زن خویش
 ۲۱۶ حکایت زاهد و یافتن دو خشت زرین
 ۲۲۱ حکایت بازرگان سمرقندی
 ۲۲۶ حکایت ملک هندوان با ندیم

 ۲۲۸ باب نهم: باب زیرک و زروی
 ۲۲۹ حکایت شبان و گوسفندان او
 ۲۴۰ حکایت زغن ماهی خوار با ماهی

- ۲۴۶ حکایت نقاش و پادشاه
 ۲۴۹ حکایت شغال و مردم دیه
 ۲۵۳ حکایت گربه و دوستی موش با او
 ۲۵۹ حکایت زاغ و خواستگاری بوم از دختر او
 ۲۶۱ حکایت بره و گرگ
 ۲۶۳ حکایت کدخدا و گربه او
 ۲۶۴ حکایت درخت مردم‌پرست
 ۲۶۷ حکایت بازرگان و اندرز او به فرزندش
 ۲۶۹ حکایت بار و زغ
 ۲۷۵ حکایت دزد و زن فاحشه
 ۲۷۸ حکایت سر با شیر
 ۲۸۱ حکایت نوشیروان و خرس بابل
 ۲۸۳ حکایت خنیاگر و داماد
 ۲۸۵ حکایت روباه با خروس

 ۲۸۸ باب دهم: باب شاه شیران با شاه و زن
 ۲۸۹ آغاز حکایت
 ۲۹۲ حکایت دیوانه با خسرو
 ۳۰۳ حکایت پادشاه بابل با منجم
 ۳۱۰ حکایت صیاد و سگ و گربه او
 ۳۱۱ حکایت شتر با شتربان
 ۳۱۳ حکایت پادشاه هندوستان با ملک ترکستان
 ۳۲۰ حکایت موش خایه‌دزد با کدخدای

 ۳۲۸ باب یازدهم: باب شیر پرهیزگار و خرس جاهل
 ۳۲۹ آغاز حکایت
 ۳۳۰ حکایت خسرو با احدب
 ۳۳۳ حکایت جولاهه با مار
 ۳۳۵ حکایت مارافسای با مار
 ۳۳۶ حکایت زن زاهد با دزدان
 ۳۳۷ حکایت قلاح با گرگ و مار
 ۳۴۵ حکایت مرد نجار با زنش
 ۳۴۶ حکایت زاهد و دزدانی که جامه شاه را دزدیده بودند
 ۳۴۹ حکایت خسرو با زنش، ایراخسته
 ۳۵۲ حکایت بهرام گور و مرد خاک‌خوار

۳۵۴	حکایت گازر و کودک او با دزد
۳۵۷	باب دوازدهم: باب عقاب شکارگر و آزادچهر
۳۵۷	آغاز حکایت
۳۶۱	حکایت ماهی و ماهیخوار
۳۶۴	حکایت راسو با زاغ
۳۶۵	حکایت پیاده و سوار
۳۶۷	حکایت کدبانو با دزد
۳۶۹	حکایت مردی که به سبب چهار علم نزار شده بود
۳۷۰	حکایت فاخته با کودک و معلم او
۳۷۲	حکایت تیرانداز و تیرتراش
۳۷۵	حکایت سادات و گان از باد نزد سلیمان
۳۷۹	حکایت آیین پادشاهان پارس
۳۹۱	حکایت خسرو و اغبار پیر
۳۹۸	باب سیزدهم: باب منک و بخت با زنش یونا
۴۰۳	حکایت پادشاه هند و بلیناسی خواگزار
۴۰۸	حکایت فیلسوف با همسایه سستاپای
۴۰۹	حکایت بزرجمهر با زنی که مسائل را پدید می‌آورد
۴۱۰	حکایت فیلسوفی که نام می فروخت
۴۱۳	حکایت ملک عشرت طلب و فیلسوف پیر
۴۱۴	حکایت خسرو با شبان پیر
۴۲۴	حکایت دهقان مالدار با کنیزک طباخ
۴۲۷	حکایت کدخدای و دو بچه عقق
۴۲۸	حکایت سه بازرگان در کشتی
۴۳۵	فهرست آیات قرآن کریم
۴۳۷	فهرست احادیث و امثال و حکم
۴۴۶	واژه نامه

پیشگفتار

در یک روزهای تابستان سال ۱۳۷۸ دوست درگذشته‌ام علیرضا حیدری، مدیر انتشارات خوارزمی، بعد از گفت و گویی که با هم داشتیم، عکس دو نسخه خطی از کتاب *روضة العقول* نزد من او در از من خواست تا آن را بر اساس این دو نسخه تصحیح و آماده چاپ کنم. من و مناسم که به قدر داشت که با همکاری شادروان حیدری به ویرایش و شنبه بودم و می‌دانستم که به قدر داشت که با همکاری شادروان حیدری به ویرایش و طبع آن اقدام نماید، ولی برای پرداختن به این مهم زمان نیافت، و حیدری نیز با انواع مشغله‌های سنگینی که در مؤسسه داشت، نتوانست به انجام این کار نبود. من پس از بررسی نسخه‌ها و مقابله بعضی صفات، این کار را پذیرفتم، زیرا می‌دانستم که این کتاب یکی از نمونه‌های خوب نثر فارسی مری و موضوع، ده‌های ششم و هفتم است که در آسیای صغیر نوشته شده‌است، و نیز هر درسخ را از لحاظ خط و کتابت بسیار روشن و خوانا و از لحاظ سیاق کلام بسیار به هم نزدیک دیدم؛ ولی در آن وقت به تازی‌بازی‌ها و حجازی‌پردازی‌های مؤلف، که بعداً کار را بسیار دشوار کرد، پی‌برد.

در اوایل بهار سال ۱۳۷۹ به یاری و همکاری دوست، آقا دکتر غلامعلی آریا، به مقابله نسخه‌ها پرداختم. نسخه لیدن (ه) در صفر ۱۳۶۷ کاتب شده، ولی نسخه پاریس (پ) که با آن همزمان به نظر می‌رسد، با نسخه یا نسخه‌های دیگری که طبعاً قدیم‌تر از آن بوده‌اند مقابله و اصلاح شده‌است (میکروفیلم‌های هر دو نسخه، در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است). از این روی، و از لحاظ اینکه نسخه پاریس کلاً سالم‌تر و درست‌تر به نظر می‌رسید، ما آن را اساس کار قرار دادیم و اختلافات، همان را با نسخه لیدن به حواشی صفحات آوردیم، و اشعار و منقولات تازی را نیز تا آنجا که ممکن بود از روی دیوانها و مجموعه‌ها و آثار دیگر اصلاح کردیم و اگر در ضبطها و عبارت‌های آنها اختلافی بود آن را نیز در حواشی صفحات یادآور شدیم.

محمد غازی به عربی‌دانی و عربی‌پردازی خود سخت مغرور بود و در مقدمه خود بر این کتاب بارها به عبارات مختلف بدان اشاره کرده، و در این کار بی‌شک تبخّر و توانایی تمام داشته‌است. آنچه بیش از هر چیز عربی‌پردازی‌های او را دشوار می‌کند ساختن مشتقات غیرمأنوس از مصادر و بردن افعال به باب‌های غیرمتعارف است، که غالباً تنها با قیاس و توجه به معانی مختلف ریشه‌های ثلاثی و رباعی می‌توان معنایی برای آنها یافت، و

ما برای این منظور، مداخل مورد نظر را در فرهنگ‌های مختلف — از کتاب‌العین منسوب به خلیل و تهذیب‌اللغة از هری تا منتهی‌الارب و المنجد — از نظر می‌گذرانیم.

این کار، بر خلاف انتظار ما، چند سالی وقت گرفت. در این فاصله دو سه مسافرت طولانی برای من پیش آمد و کار به تعویق افتاد، تا سرانجام در اوایل سال ۱۳۸۴ نسخه دست‌نویس به انتشارات خوارزمی سپرده شد. چند نمونه مطبعی از نظر گذشت و بر حسب آخرین نمونه فهرستی از آیات و احادیث و اقوال بزرگان و اولیاء و فهرست لغات دشوار متن تهیه و تنظیم شد، و کار نزدیک به اتمام بود که ضایعه دردناک درگذشت دوست دیرین من، خیرضا حیدری، پیش آمد و مرا از ادامه این کار، که در اصل به درخواست و پیگیری او آغاز شده بود، بازداشت. در همین احوال دو تصحیح و طبع جداگانه از همین کتاب به بازار آمد. یکی به کوشش دکتر جلیل نظری در ۱۳۸۳، که رساله دکتری ایشان بوده است؛ و دیگری — همان سال به سعی آقای محمد روشن، که در تصحیح متون دارای علم و آگاهی همتا به است. شک نیست که این گونه تصحیحات می‌توانند مکمل یکدیگر باشند، و هر یک مزایای خاص خود را دارند، خصوصاً از آن روی که هر دو تصحیح از لحاظ ضmann و تعلیقات، بیار کار ساز و سودمندند، و وجود این گونه کوشش‌های موازی در مورد متون دشوار قدیمی می‌تواند حوصله کنجکاوان را در قرائت درست متن و فهم مطالب آن — اصلی که همه اجزای دیگر در فرع آن اند — یاری کند.

باری، چندی قبل به درخواست و اعلام رسنه انتشارات خوارزمی، که هزینه‌های لازم را تا آن مرحله پرداخته بود، و نیز به ترغیب چند تن از دوستان صاحب‌نظر بر آن شدم که کار ناتمام‌مانده را به اتمام رسانم، و این بار با یاری و مددکاری سرکار خانم فثانه کهوند، ویراستار و کارشناس فنی انتشارات خوارزمی، متن کتاب را بار دیگر با نسخه‌ها مقابله و برای طبع نهایی آماده کردیم.

در اینجا بر خود واجب می‌دانم که از شکیبایی و تحمل ارباب انتشارات خوارزمی، و از خانم فثانه کهوند، که نه تنها در مقابله نسخه‌ها و ظریف سفارشی‌هایی ما را یاری کردند، بلکه تنظیم فهرست‌ها را نیز بر عهده گرفتند، سپاسگزاری کنم. و همچنین مراتب امتنان خود را از دوست دانشمندم، جناب دکتر باقر قربانی زرین، که با اندک شماری از ابیات عربی متن را یافته به ما خبر دادند، تقدیم می‌دارم.

فتح‌الله مجتبابی

بیست و پنجم اسفندماه ۱۳۹۱